

تلاش جان دان نخستین تک‌صدایی مخالف رویکردهای مسلم خودکشی از درون کلیسا بود، اگرچه نتوانست جای پای محکمی پیدا کند و سال‌ها بعد بود که، در سایه رویکردهای اخلاقی، دیده شد.

آکویناس و قوت گرفتن حریم خصوصی گرانگشاهای مهمی است که رویکردهای اخلاق مسیحیت بر آن استوارند. با این وصف، خودکشی نه در اخلاق مسیحی و نه در اخلاق سکولار هرگز نتوانسته تأییدی برای خود بیابد.

علیه‌نامیدی

جذب از پیامبر (ص) روایت می‌کند که فرمود مردی زخمی شد و خودکشی کرد و خداوند فرمود: بنده من باعجله خود را کشت، پس بهشت را بر او حرام می‌کنم.^{۱۳} هیچ مرگ داوطلبانه‌ای نه در متن قرآن و نه در سیره و تاریخ اسلام محترم شمرده نشده است. از هیچ‌کس به خاطر خودکشی تجلیل نشده و حتی اگر مجاهد راه خدا به دست خود، خود را به مهله‌ک مرگ انداخته باشد، سرزنش شده است.

اگرچه قرآن تنها کتاب مقدسی است که ممنوعیت صریح خودکشی در آن مطرح شده، اما فهم ممنوعیت خودکشی به یک دستور خلاصه نمی‌شود. آنچه آن را پشتیبانی می‌کند بیشتر ریشه در مفاهیمی دارد که به هدف بعثت پیامبران بازمی‌گردد. قرآن پیش از آنکه از حرمت قتل نفس بگوید زمینه‌های آن را در نظر داشته و درک دو مفهوم امیدواری به خدا و توبه در فهم این ممنوعیت مؤثر است. نومید از رحمت خدا، در نگاه قرآن، کافراست: «لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ». و توبه همواره به عنوان راه تضمینی بازگشت به سوی خدا بر سر راه نومیدان است.

به گزارش مورخان، اسلام در منابع شفاهی و کتبی خود مقابل خودکشی رویه ثابتی داشته است. حرمت قتل خود نه تنها در متن صریح مقدس، بلکه در منابع دیگر مانند نقل و عقل نزد اهل سنت و شیعیان نیز مورد اتفاق نظر است. آنچه از معنای ظاهری آیه و لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ برمی‌آید در همه تفاسیر قرآن، از ابتدا که شیوه‌روایی داشتند تا سده اخیر که رویکرد فلسفی و کلامی و اخلاقی دارند، از تفسیر طبری و مجمع البیان تا المیزان در میان شیعیان و از تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل تا فی الضلال القرآن در میان اهل تسنن، تفسیری مشابه دارد. همه متفق اند که منظور از لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ نینداختن خود به مهله‌ک است. قتل هر نفسی مجاز نیست مگر «الْنَفْسُ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ».

اما منع خودکشی محدود به یک دستور نیست و راه برای فهم علت آن هموار است. الهیات اسلام نیز همانند دیگر ادیان الهی جان انسان را نه در اختیار او بلکه از آن خدای دادند. «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا. يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بر آن است که مالکیت انسان بر جان و مال خودش مالکیت اصیل نیست بلکه، به جهت جانشینی، چند روزی به او اعطا شده است. از همین رو، به تبع، مرگ انسان نه در اختیار خود او بلکه به اجازه خداوند است: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَقُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ».

اگرچه خودکشی در اسلام یکی از گناهان کبیره است و برابر وعیدهای الهی، مرتکب آن در دنیا پس از مرگ سرنوشت ناگواری خواهد داشت، اما این رویکرد، به خلاف آنچه تا سال‌ها در ادیان دیگر جاری بود، هرگز منجر به ترک تشییع و تدفین متوفی نشد و اگرچه گزارش‌هایی از کراهت پیامبر اسلام برای شرکت در مراسم تشییع و تدفین فردی که خودکشی کرده بود وجود دارد، اما در طول تاریخ اسلام برخوردی مهربانانه نسبت به مسلمانانی که خودکشی کرده‌اند وجود داشته است. حرمت پیکر مسلمان حتی اگر خودکشی کرده باشد مانع آن بوده که جسم او دوباره در معرض

توهین قرار گیرد. او در قبرستان مسلمانان دفن شده و آداب تظهِیر و طلب بخشش برای او مانند دیگران بوده است.

آزمون ابتلا

سنت ابتلا خودکشی را سستی مقابل بار امانت الهی و در نهایت عقب‌نشینی از رسیدن به کمال نهایی می‌داند. قتل نفس در رویکردی کلان‌تر بی‌اعتنایی به دستور خداوند و تقدیر مسلم اوست که «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ». خودکشی اگرچه مرگی داوطلبانه است، اما با بی‌اعتنایی به کارکرد مرگ رخ داده، مرگی که در باور اسلام مرحله نهایی کمال انسان است. در برداشتی مشابه، زندگی توأم با رنج هم بخشی از مسیر رشد و کمال یافتن انسان است و خودکشی چیدن میوه‌ای نارس است که مرحله بلوغ و کمال خود را کسب نکرده است. با این وصف، مرگ‌های خودخواسته ناشی از بیماری و رنج و درد نیز در اسلام محترم شمرده نشده‌اند، چراکه رنج بخشی از زندگی و در راستای هدف و زیست انسان است. از همین رو، اتانازی در نظر عمده فقهای مسلمان با خودکشی تفاوتی ندارد و آنچه از بحث‌های فقهی کلاسیک در فتاوی فریقین برمی‌آید، پایان زندگی فقط به دست خدا خواهد بود. اگرچه این رویکرد جالش‌هایی اخلاقی و حقوقی در پی داشته، در طول سال‌ها تغییری نکرده است. آنچه در اخلاق سکولار با عنوان تئوری شفقت از آن یاد می‌شود خواهان شیوه‌های جدید است، بر اهمیت معنا و کیفیت زندگی تأکید می‌کند و خواهان آن است که تجربه انسانی، به اندازه متون مقدس و مرجع دینی، ارزش‌گذاری شود تا امکان پذیرش تغییراتی فراهم شود.

مردن پیش از مردن

خودکشی در هیچ مکتب فقهی و عرفانی اسلام جایی ندارد. اما سیطره مرگ خودخواسته در ادبیات و مضامین عارفانه آن گسترده است. «موتوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» حدیثی منسوب به پیامبر اسلام است و گرچه سندیت آن میان فقها و مفسران اعتباری ندارد، در جمع عارفان و سالکان رونق دارد. «بمیرید بمیرید و زین ابر برآید/ جوزین ابر برآید همه بدر منبرید» مصداق تفسیری نام از این عبارت است: مرگی پیش از موعد که در نهایت کمال به دنبال دارد. مرگی که نه به معنای نابودی جسم، چنانچه رواقیون گفته‌اند و کرده‌اند، بلکه به معنای انقطاع از دنیا و رهایی روح از بندهایی است که مانع کمال و رشد انسان‌اند: «بمیرید بمیرید و زین نفس ببرید/ که این نفس چو بند است و شما همچو اسیرید».

رشید الدین میبیدی، صاحب تفسیر عارفانه کشف الانسار و عده‌الابرار، در شرح همین حدیث همچون عارفی سرگشته راه حق از مرگ پیش از موعد آن به عنوان مرگ باطنی یاد می‌کند که شاید زندگی به دنبال خود داشته باشد: «مرگ باطنی آن است که آدمی بدون مرگ از خودی خود بمیرد تازنده به حق گردد. من چه دانستم که مادر شادی رنج است، و زیریک ناگامی هزار گنج است. من چه دانستم که زندگی در مردگی است و مراد همه در بی‌مرادی است. زندگی زندگی دل است و مردگی مردگی نفس: نادر خود بنمیری به حق زنده نگردی. بمیرای دوست اگر می‌زندگی خواهی. مرگ دو قسم است: مرگ ظاهر و مرگ باطن. مرگ ظاهر هر کسی را معلوم است و دوست و دشمن راه‌ها بدان است و خاص و عام در رویکسان است. کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْعُقُوتِ عبارت از آن است. اما مرگ باطن آن است که مرد در خود از خود بی‌خود مرده گردد تا از حق در حق باحق زنده شود».

پی‌نوشت

1. Georges Minois, History of Suicide: Voluntary Death in Western Culture translated by Lydia G. Cochrane/ 1999 The Johns Hopkins University Press/page 21.

۲. تئذیه ۳۰:۲۰.

۳. پیدایش ۹:۵.

۴. تئذیه ۳۲:۳۹.

۵. ایوب ۱۲:۱۰.

۶. اول سموئیل ۲:۶.

7. Autonomy

۸. آگوستین قدیس، شهر خدا،

ترجمه حسین توفیقی، انتشارات

دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم،

فصل ۱۷-۲۶.

۹. همسایهات را همچون خویش

محبت بنما (متی ۲۲:۳۹) و

(خروج ۲۰:۱۷).

10. Christian Perspectives on

Suicide/ by William E. Phipps.

۱۱. الهی دان و عارف کثرت‌گرای

مسیحی سوئدی که بیشتر برای

کتابش در مورد زندگی پس از مرگ،

بهشت و جهنم (۱۷۵۸)، شناخته

شده است.

12. Reflections on Suicide/

John Odhner.

۱۳. (بخاری، فتح الباری، ج ۱۱ ص

۴۹۸، چاپ سلفیه).